

تحلیل دیدگاه «عشق به‌مثابه‌ی قصه» در رمان نوجوان «در یک ظهر داغ تابستان دختری

از بصره آمد» براساس الگوی رابرت استرنبرگ

بیات، مهرانوش

bayat, mehrnushAllameh

mehrnush.bayat@yahoo.com

دانشجوی دکتراسایران‌شگاه علامه طباطبائی تهران، دانشکده ادبیات و زبان‌های خارجه

Tabatabai University of Tehran, Faculty of Literature and Foreign Languages.

حسن‌زاده نیری، محمدحسن mhhniri@yahoo.com

دکترای تخصصیدانشیاردانشگاه علامه طباطبائی، دانشکده ادبیات و زبان‌های خارجه، گروه زبان و ادبیات فارسی
.hasanzadeniri, mohamadhasanAllameh Tabatabai University, Faculty of Literature
and Foreign Languages, Department of Persian Language and Literature. 3

مرادی، ایوب ayooob.moradi@pnu.ac.ir

moradi, ayooobPayam Noor university

چکیده

دوره‌ی نوجوانی، دوره‌ی انتقال از کودکی به بزرگسالی است. در این دوره به دلیل بلوغ، تغییرات و تحولات جسمی، روانی، اجتماعی و عاطفی در فرد پدید می‌آید؛ هم‌چنین در این سنین عشق در اشکال و انواع مختلف جلوه می‌کند. عشق‌های اولیه در حد دلبستگی‌های عاطفی و دوستی‌های زودگذر هستند و اگر نوجوان بتواند مراحل رشد و بلوغ جسمانی، عاطفی، اخلاقی و عقلانی را با موفقیت پشت سر بگذارد، آنگاه صمیمیت، دوستی و عشق واقعی پدیدار می‌شود؛ پس باید به او فرصت داد که در این دنیای بغرنج خود را بشناسد و برای احساسات آشفته‌ی خود به دنبال مفهوم یا راهکاری باشد. یکی از راهکارها در این زمینه قصه است. قصه باعث رشد «من» در حال شکفتن نوجوان و هم‌چنین تقویت قوه‌ی تخیل او و عامل مهمی در تربیت اجتماعی نوجوان محسوب می‌شود. جمشید خانیان از جمله نویسندگان مطرحی است که آثار درخوری برای نسل نوجوان با مضمون عشق نگاشته است. این پژوهش قصد دارد با توجه به نقش و اهمیت عشق در سنین نوجوانی، جایگاه قصه‌های عاشقانه و نحوه‌ی ارائه‌ی آن‌ها را در حل مسائل عاطفی، روانی و تربیتی نوجوانان با توجه به الگوی عشق به‌مثابه‌ی قصه رابرت استرنبرگ در رمان «در یک ظهر داغ تابستان دختری از بصره آمد» باز شناسی و مشخص نماید که آیا نویسنده توانسته است از عهده‌ی تبیین قصه‌ی عشق برای نسل نوجوان برآید یا خیر؟ کلیدواژه‌ها: الگوی عشق به‌مثابه‌ی قصه، بلوغ عاطفی و جسمانی، جمشید خانیان، رابرت استرنبرگ، رمان نوجوان، قصه‌ی عشق.

۱. مقدمه

عشق یکی از مهم‌ترین مضمون‌هایی است که از دیرباز در متون نظم و نثر و در قالب الگوهای متنوع تکرار شده است. «اولین قدم این است که بدانیم عشق یک هنر است. اگر ما بخواهیم یاد بگیریم که چگونه می‌توان عشق ورزید، باید همان راهی را انتخاب کنیم که برای آموختن هر هنر دیگر چون موسیقی، نقاشی، نجاری، یا هنر طبابت، یا مهندسی بدان نیازمندیم» (فروم، ۱۳۸۰: ۵). هم‌چنین عشق برای بیشتر افراد به‌ویژه نوجوانان موضوعی گیراست. عشق و عاشقی در دوره‌ی نوجوانی ناشی از پیوندهای عاطفی و جذبه‌های جنسی است. عشق ناشی از پیوندهای عاطفی مبتنی بر روابط عاطفی و فردی بوده و ممکن است طولانی مدت باشد؛ درحالی‌که جذبه‌ی جنسی در برگزیده‌ی علاقه‌ی جنسی، جذابیت و فعالیت جنسی است. «متأسفانه در این دوران، تعادل موجود بین احساسات و اندیشه‌های منطقی نوجوان بر هم می‌خورد و کفه‌ی احساسات سنگینی می‌کند و عقل را تحت‌تأثیر قرار می‌دهد. در چنین موقعیتی آنچه بر فرد حاکم است و در تصمیم‌گیری‌ها دخالت می‌کند، عواطف قدرتمند وی می‌باشد» (شرفی، ۱۳۷۹: ۱۳۱). حال باید به دنبال راهکاری بود تا هیجان‌ها و عواطف دوران بلوغ کنترل شود. به غیر از اطرافیان نوجوان اعم از والدین و افراد دیگر خانواده، ادبیات به عنوان یک ابزار تا حدودی می‌تواند مسیر بلوغ عاطفی قشر نوجوان را هموار کند. ادبیات کودک و نوجوان اغلب سعی بر آن دارد تا به دور از شعارهای سیاسی و اخلاقی به کودکان و نوجوانان یاری کند تا در جهان پیرامون خود، نقش حساس و سازنده‌ای را ایفا کنند و یکی از آن ابزار در این زمینه قصه است. «قصه پاسخی به نیاز انسان برای تبیین جهان مادی و تکریم نیروهای ماوراءالطبیعه است. قصه قدیمی‌ترین شیوه‌ی انسان برای بیان احساسات و افکار خود بوده است» (گودرزی، ۱۳۹۶: ۲۱). مهم‌ترین جنبه‌ی قصه مضمون تربیتی و آموزشی آن است. قصه علاوه بر جنبه‌ی سرگرم‌کننده‌ی آن برای نوجوان باعث تعالی و رشد شخصیت او نیز خواهد شد. جدای از این، عشق یک کنش روان‌شناختی است که در سه دهه‌ی اخیر نظر بسیاری از روان‌شناسان اجتماعی را به خود جلب کرده و در مورد تأثیر آن بر زندگی انسان پژوهش‌های علمی زیادی صورت گرفته است. یکی از نظریه‌پردازان این حوزه، رابرت استرنبرگ^۱ است که در سال ۱۹۹۴ نظریه‌ی «عشق به مثابه قصه» را مطرح نمود. این پژوهش به شیوه‌ی توصیفی-تحلیلی غیر از

^۱. Robert Sternberg

بازخوانی رمانی از جم شید خانیان بر اساس نظریه‌ی / سترنبرگ بر آن است تا ببیند نویسنده کدام قصه‌ی عشق را به مخاطب نوجوان ارائه و همچنین مخاطب را با کدام قصه‌ی عشق پرورش داده است که در نوع خود نگاهی نوآور است.

۱.۱. بیان مسئله

با توجه به پژوهش‌های روانشناسی، در تحول روانی آدمی دوره‌ی مهمی وجود دارد که بین دوران کودکی و دوران بزرگسالی قرار می‌گیرد و به دوره‌ی نوجوانی موسوم است. تحول روانی در دوره‌ی نوجوانی ابتدا رنگ جنسی و تناسلی دارد و کم‌کم به شکل یک بحران نمایان می‌شود. «یکی از خصایص رشدی مهم این دوره ظهور میل جنسی و آغاز فعالیت‌های دستگاه‌های جنسی است و این خاصیت از لحاظ رشد و تکامل به قدری اهمیت دارد که می‌توان ظهور به موقع آن را دلیل سلامت نوجوان تلقی کرد» (شعاری‌نژاد، ۱۳۸۵: ۴۸۹). در دوره‌ی بلوغ دختران و پسران به شناخت‌های جنسی از خود و جنس مخالف دست پیدا می‌کنند که باید در مسیر درست هدایت شود.

از مهم‌ترین انواع بلوغ «بلوغ عاطفی» است. بلوغ عاطفی یکی از مراحل رشد انسان است که در آن شخص می‌تواند احساسات و عواطف خود را بشناسد و کنترل کند. کنترل عواطف در این دوره برای نوجوانان به دلیل عواطف متضاد چالش‌برانگیز است؛ از این رو «سال‌های نوجوانی مرحله‌ی مهم و برجسته‌ی رشد و تکامل اجتماعی، شناختی و روانی فرد به شمار می‌رود. از مهم‌ترین نیازهای این دوره حفظ تعادل هیجانی و عاطفی به‌خصوص در مقابل عوامل فشارزای دوران بلوغ است» (اثنا عشری و شیخ‌الاسلامی، ۱۳۹۴: ۳۶).

نوجوان ناچار است از وابستگی‌های کودکی خود را برهاند و اعتماد به نفس، آگاهی نسبت به خود و حس وظیفه‌شناسی اخلاقی را تحصیل کند؛ «از این رو ناچار است بفهمد در خود آگاهی چه می‌گذرد تا بتواند با رویدادهای ناخودآگاهی مقابله کند. این فهم و قابلیت را نوجوان از راه درک منطقی ناخودآگاه خویش به دست نمی‌آورد؛ بلکه با اعتماد به آن، و بازتاب هیجان‌های ناخودآگاه به عناصر مناسبت‌ی (با شنیدن یا خواندن آن) و اندیشه‌ی درباره‌ی آن، آن‌ها را از نو بازسازی می‌کند و درباره‌شان به خیال‌پروری می‌پردازد. خیال‌هایی که بعداً به او امکان می‌دهند، خود را به

کمک محتوای آن تشریح کند» (بتلهایم، ۱۳۸۴: ۱۹)؛ بنابراین قصه‌ها ارزش والایی دارند؛ زیرا به تخیل نوجوان ابعاد تازه‌ای می‌بخشند. قصه به عنوان اثر هنری انواع بسیاری دارد؛ یکی از آن‌ها قصه‌ی عشق است که شناخت و درک ارزش آن برای سن نوجوان بسیار لازم و ضروری است. در این میان قصه‌های عاشقانه، راهکار مناسبی برای کنترل هیجانات روحی، روانی و عاطفی نوجوان است.

جمشید خانیان جزو نویسندگانی است که یکی از دغدغه‌هایش نسل نوجوان است و در زمینه‌ی ادبیات کودک و نوجوان آثار در خوری دارد. رمان در یک *ظهر داغ تابستان دختری از بصره آمد* جدیدترین اثر نویسنده حول محور عشق برای نسل نوجوان نگاشته شده است که در این پژوهش واکاوی خواهد شد.

این پژوهش قصد دارد با توجه به نقش و اهمیت عشق در سنین نوجوانی، جایگاه قصه‌های عاشقانه و نحوه‌ی ارائه‌ی آن‌ها را در حل مسائل عاطفی، روانی و تربیتی نوجوانان در این رمان بازشناسی کند و نشان دهد نویسنده‌ی ما کدام قصه‌ی عشق را به مخاطب نوجوان ارائه و همچنین مخاطب را با کدام قصه‌ی عشق پرورش داده است؟ در این پژوهش در نهایت مشخص خواهد شد آیا جمشید خانیان، الگوی مناسبی از قصه‌ی عشق به نسل نوجوان ارائه داده است یا خیر؟

۱.۲. پیشینه‌ی پژوهش

ایوب مرادی و سارا چالاک (۱۴۰۰) در مقاله‌ای با عنوان «نوع شناسی بازنمایی عشق در رمان‌های نوجوان فرهاد حسن‌زاده براساس الگوی رابرت استرنبرگ» به بررسی سبک‌های عشق‌ورزی رابرت استرنبرگ در سه رمان از فرهاد حسن‌زاده می‌پردازند و براساس نوع رابطه‌ای که بین شخصیت‌های رمان‌ها وجود دارد، آن‌ها را براساس سه مؤلفه‌ی عشق رابرت استرنبرگ (شوریدگی، صمیمیت و تصمیم - تعهد) طبقه‌بندی می‌کنند. محمدرضا رسولی و پریسا کیومرثی (۱۳۹۸) در مقاله‌ای ضمن بررسی نظریه‌ی سه‌گانه‌ی عشق استرنبرگ، به بیان مقایسه‌ای انواع روابط عاشقانه در حکایت شیخ صنعان عطار و بازنویسی این حکایت در قالب نمایشنامه‌ای از محمدحسین میمندی‌نژاد می‌پردازند و در پایان، این روابط را براساس الگوی مثلثی استرنبرگ «شوریدگی، صمیمیت و تصمیم - تعهد» طبقه‌بندی می‌کنند. زینب شیخ‌حسینی (۱۳۹۶) در مقاله‌ای با عنوان «مفاهیم غنایی در رمان نوجوان» ابتدا به بررسی انواع مضمون‌های غنایی همچون توصیف، شکواییه، نوستالژی، مرثیه و طنز